متفاوت

قسمت اول

قضاوت زنان با توجه به تغییر بنیادین شرایط جامعه

ورود صنعت و تکنولوژی به زندگی بشر و تحولات فکری و رشد اجتماعی و تأثیرات آن در روند زندگی با طی فرازها و نشیبها مسیری را طی می کند که در آن داعیه رفع هرگونه تبعیض و تمایز بین زنان و مردان را دارد. اجتماعات بشری از دو جنس زن و مرد تشکیل شده است و جنسیت واقعیتی انکارناپذیر در نظام خلقت است و تفاوت در جنسیت را از بقا را در خود دارد که اعجاز آفرینش است و تبعیض ضد عدالت و برخلاف فلسفه آفرینش است.

خلقت زن و مرد بر محور عدالت و مدار انسانیت است. اصول انسانی برای زن و مرد در کلام وحی به یک گونه ترسیم شده است و انسان برای رسیدن به سر منزل مقصود و قرب الی الله باید در این محور و مدار حرکت نماید. دین اسلام در یک دید کلی عنایت به برابری موقعیت زن و مرد دارد و تنها تقوی را نشانه برتری و امتیاز انسانی از انسان دیگر قرار داده است اما آموزه های تاریخی بازگوکننده واقعیت های تلخی از نابرابری های جنسیتی و جریان های فرادستی و فرودستی و اعمال زور و خشونت و نگاه های تبعیض آمیز است که در طول تاریخ در همه جای دنیا جریان داشته است.

هرچند که بشر امروز به اشتباه گذشتگان خود پی برده است اما تجربه نشان می دهد که سنت های کهن در لباس عادات، آداب و رسوم و از طریق خرافات حاکم بر جوامع گاه حتی جلوه مذهبی نیز به خود گرفته است.

با آنکه تحول فکری و رشد اجتماعی در حدی است که ارزشهای متعالی انسانی جایگزین بسیاری از نظام های مذموم گذشته شده است نقش زنان نیز همزمان با تغییرات زیادی همراه بوده است و شتابی که جوامع در چند دهه اخیر پیدا کرده اند زنان را وارد عرصه های اجتماعی در ابعاد مختلف کرده است و این تغییرات می تواند بر قوانین براساس نقش های اجتماعی، اقتصادی تأثیر بگذارد. نقش های اجتماعی و اقتصادی زن مسلمان امروزی با گذشته متفاوت شده است و اکنون بخشی از مسؤولیت فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و... به عهده زنان است و بر نقش های کلیشه ای زنان خط پایان کشیده است. این تحول در حدی است که هم اکنون زنان در سه سطح متفاوت خانواده، جامعه و در مقیاس جهانی ایفای نقش می کنند به همین دلیل یکی از نگرش های جوامع دینی، دفاع از ارزش های دینی و ضرورت عینیت بخشیدن به نگرش های دینی در حل مسائل جنسیتی است.

بالا رفتن سطح تحصیلات زنان انتظارات و توقعاتی را در رفع تبعیض های ناروا و اصالت دادن به ارزش های انسانی و توجه به مسائل و مشکلات آنان ایجاد نموده است که دولت ها در مقام ایفای رسالت خود و در پاسخ به نیازهای این قشر از جامعه باید توجه به حقوق زنان را از وظایف خود قرار دهند.

در جامعه اسلامی ما نیز، زن مسلمان امروزی از نظر شعور اجتماعی و درک و فهم اجتماعی با گذشته متفاوت است. امروزه بیش از هر زمانی اجتهاد وفقه شیعه مسؤولیت خطیرتری دارد به لحاظ اینکه فقه شیعه مسؤول پاسخگویی به بسیاری از مسائل و معضلات اجتماعی است و این امکان وجود دارد که درباره بسیاری از موضوعات مطرح پیرامون حقوق زنان بازنگری و با تجدیدنظر در آن اصلاحاتی انجام پذیرد.

پویایی فقه شیعه و انطباق پذیری آن در ظرف مکان و زمان برای پاسخگویی به نیازهای موجود پس از انقلاب اسلامی فرصتی فراهم آورده است تا غبار ابهام را از مسائلی که اذهان را به خود مشغول می داشت زدوده شود به برخی ابهامات پاسخی روشن داده شده است و برخی دیگر نیازمند پاسخگویی هستند از این رو با توجه به فضای مستعدی که برای طرح مسائل و نیازها و واقعیت های موجود وجود دارد و استعداد پاسخگویی و رفع ابهام توسط فقها و عالمان گرانقدر دینی جای آن دارد تا مسائل به روشنی مطرح شوند تا پاسخی شفاف بگیرند. یکی از مسائلی که ذهن جامعه زنان را مشغول کرده است و اندیشمندان به غور و بررسی مسأله می پردازند شایستگی و عدم شایستگی زنان برای احراز مقام قضاوت است هر چند این موضوع بارها مطرح و یا بدان پاسخگویی شد ولی هنوز می تواند از زوایای دیگری بدان پرداخته شود. ما نیز با استفاده از فرصت موجود به طرح مجدد آن می پردازیم باشد که در نظر آید.

قوانین اساسی اکثر کشورهای اسلامی که هم متأثر از حقوق بین الملل و هم نوعاً وفادار به قوانین اسلامی هستند، قائل به تساوی اصولی بین زن و مرد هستند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در دیباچه خود منزلت والایی برای زن قائل شده و وعده می دهد که حقوق زنان را بیش از پیش استیفا نماید زیرا که شأن اسلام مخالف با ظلم به زنان و نادیده انگاشتن حقوق آنان است و بدین صورت مخالفت خود را با اجحافی که در سابق به زنان شده است اعلام می دارد و درصدد جبران آن است و اینک در پناه اسلام و جمهوری اسلامی زنان به مراتب بالایی دست یازیده اند در حوزه های علمیه به درجه اجتهاد رسیده اند در دانشگاه ها مدارج علمی بالایی را کسب نموده اند عناوین مختلف که شاید روزگاری برای زنان دست نیافتنی و یک آرزو بود اکنون محقق شده است و در جامعه اسلامی ما زنان با عنوان پزشک متخصص و اساتید مجرب در مراکز علمی و وکیل دادگستری و معمار و مهندس و نظریه پرداز و بسیاری از عناوین برجسته دیگر که در اجتماع مشغول فعالیت می باشند و در کنار همه این عناوین فعالیت در حوزه خانواده و مادری و همسری را اولین و اصلی ترین وظیفه خود می دانند و تغییر نظام اجتماعی مورد تردید و پرسش واقع شده اند به عنوان مثال دلیل قوام بودن مرد را اندیشمندان مدیریت اقتصادی مرد در خانه دانسته اند و از آثار الزام مرد به پرداخت نفقه به همسر و فرزندان. در این صورت تکلیف مردی که در پرداخت نفقه کوتاهی می کند و زن برای حفظ و دوام زندگی و جلوگیری از آثار مخرب آن بر آینده خانواده و فرزندان به ناچار در تهیه معاش همکاری می کند یا در بعضی مواقع مرد از زن نفقه دریافت می کند تکلیف چیست آیا زن همچنان باید تحت مدیریت چنین مردی باقی بماند.

در عرصه سیاستگذاری برای زنان عنایت ویژه به جایگاه اجتماعی زنان و دخالت و مشارکت زنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اجتناب ناپذیر است. زنانی که یک تاریخ ظلم را به دوش کشیده اند اکنون به مدد جمهوری اسلامی و عالمان نواندیش خواهان جبران مافات هستند اسلام عزیز در زمان ظهور و تکوین با حساسیت غیرقابل وصفی به مسائل آنان پرداخته است و آنان را در چتر حمایت خود گرفته است اما با کمال تأسف در مسیر تاریخ و زمان حاکمان جور که از اسلام و مسلمانی فقط نفع خود را می طلبیدند و به احیای رسوم جاهلی همت می گماشتند در مورد زنان نیز چنین شد و نگرش زن ستیزانه و اقتدار مردانه را ادامه دادند اما اکنون زمان آن رسیده است که زنان نیز بتوانند شاهد ثمرات شیرینی باشند که بذر آن در صدر اسلام توسط کلام خدا پاشیده شده است. پاسخگویی به مسائل زنان یعنی باروری همان نهالی که در صدر اسلام روییده شده است. با این رویکرد بررسی و نقد دیدگاه ها در خصوص مسأله قضاوت زنان با توجه به تغییر بنیادین شرایط و اوضاع واحوال نیازمند نگاهی نو و انعطاف پذیر در مقابل شرایط جدید حاکم بر اداره جامعه و مدیریت به شیوه جدید باید باشد. درست است که منصب قضاوت از شؤون و مناصب حکومت اسلامی است و یک نوع ولایت است ولی لزوماً نفی کننده شایستگی زنان در پذیرفتن این مسؤولیت نیست. در مقاله بعدی بحث قضاوت زنان در ایران و سایر کشورها را باتوجه به تحولات بنیادین شرایط جامعه بررسی خواهیم نمود.

زینب رنجبر قاضی دادگستری
تهران و مدرس دانشگاه

زنان رئیس جمهور

اولین زن رئیس جمهور در آفریقا

معصومه پیروزبخت

درماه آگوست، لحظه ای در تاریخ آفریقا ثبت شد و آن زمانی بود که برای اولین بار زنی با پیروزی بر دو رقیب مرد منتخب مقامات جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (Ecowas) به عنوان رئیس دولت آفریقایی انتخاب شد. روت سندوپری (Ruthsando Perry) به عنوان سومین رئیس دولت و رئیس مجلس و ایالت قدرتمند دولت انتقالی لیبریا انتخاب شد. انتخاب شدن زنی به عنوان اولین زن آفریقایی رئیس دولت به خودی خود یک واقعه تاریخی است، اما زمانی که این کشور لیبریا است، هر دقیقه این مسؤولیت یک مبارزه ناگفتنی است.

در واقع خانم پری مسؤولیت سنگین رهبری کشوری را به عهده گرفت که ۷ سال درگیر جنگ های داخلی بود. او می بایست براساس برنامه طرح ریزی شده Ecowas در کشورش صلح برقرار کند. او این مأموریت را با مباهات، وقار، علاقه هر چه تمام تر پذیرفت تا در خاتمه این مأموریت سنگین مردان شاهد کار فوق العاده او بوده و از زنانی چون او تجلیل و قدردانی کنند.

زنان آفریقایی، به طور سنتی زنانی توانا هستند وخانم پری نیز همانند سایر زنان آفریقایی با ایمان به خدای بزرگ، صبر، درایت و حس بی طرفی نسبت به گروه ها، بدون اینکه برای رسیدن به موفقیت احساس تزلزل کند، پای در جاده ایجاد صلح در لیبریا گذاشت. فروتنی و جاذبه اجتماعی او سبب شد که براحتی بتواند با جوانان، سالمندان، بینوایان و معلولان و به طور کل همه اقشار جامعه ارتباط برقرار کند. او از مسؤولیت سیاسی کشور خود آگاهی کامل داشت. خانم پری در سال های گذشته، شدیداً درگیر مشکلات کشورش بود و انتخاب او با این سابقه فعالیت های اجتماعی و سیاسی، اصلاً تعجب آور نبود. وظیفه دولت او این بود که با خلع سلاح نمودن جنگجویان گروه های متفاوت درگیر در جنگ داخلی، فرایند صلح لیبریا را امکان پذیر کند. انجام انتخابات برای ایجاد یک دولت دموکراتیک که بتواند نجات بخش کشور لیبریا باشد، به تحقق این امر بستگی داشت.

خانم روت سندوپری از ابتدا با مشکلات زیادی مواجه بود به طوری که گاه ناظرین امر تصور می کردند که وی موفق نخواهد شد و این وظیفه مشکل تر و سنگین تر از آن است که یک زن بتواند آن را به اتمام برساند. علیرغم همه تاکتیک های انحرافی و بازدارنده، خانم پری مصمم بود که این امر خطیر را که مردان نتوانسته بودند در انجام آن موفق شوند با موفقیت به پایان برساند.

امروزه لیبریا دارای حکومتی دموکراتیک و در راه رسیدن به اصلاحات و تجدید وحدت و یگانگی است و این ثابت می کند که خانم پری وظیفه خود را به خوبی انجام داده است. با انجام چنین وظیفه سنگین و دشواری، اوتوانسته است که موجودیت خود را به عنوان زن قدرتمندی که سزاوار مشاهده صلح در آفریقا است، در مجامع ملی و بین المللی تثبیت کند.

زنان آفریقایی خانم پری را می ستایند، زیرا او زمانی به عنوان امید کشور قد علم کرد که جامعه دچار یأس و ناامیدی شدیدی شده بود. آنان به او افتخار می کنند و به او اطمینان می دهند که همه کسانی که برای ایجاد صلح در آفریقا تلاش می کنند نیز از دستاوردهای او غرق در مباهاتند. آنان او را مادری می دانند که نوزاد صلح را برای لیبریا پرورش داد و به دنیا آورد تا مردم این کشور بتوانند یک بار دیگر با هماهنگی کامل، با صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنند.

روت سندوپری در جولای ۱۹۳۹ در شهر دیا ایالت گرند کپ موندلیبریا به دنیا آمد. او دیپلم خود را از دبیرستان سنت ترزا لیبریا گرفت وسپس تحصیلات خود را در رشته آموزگاری دانشگاه لیبریا ادامه داد. وی همسر خود را از دست داده و صاحب ۷ فرزند است.

به عنوان اولین زن رئیس دولت و رئیس حکومت انتقالی، روت پری ریاست برنامه خلع سلاح گروه های متخاصم لیبریا و مسؤول برگرداندن و اسکان آوارگان و رانده شدگان از محل زندگی را به عهده داشت و هدایت کننده انتخابات دموکراتیک آزاد بود.

قبل از تصدی پست ریاست دولت، او سرپرست بانک چیسن ماتهاتان لیبریا بود و همزمان به عنوان قانونگذار مستقل در هیأت قانونگذاری تک حزبی کشور نیز مشغول به فعالیت بود و به عنوان سناتور (نماینده) ایالت گرند کپ تاون، مسؤولیت حمایت از وضع قوانین ویژه حمایت از حقوق زنان و کودکان را نیز به عهده داشت وی مشاور هیأت رئیسه بیمارستان کودکان و عضو انجمن ستاره شرقی، خانه روت و چند انجمن دیگر نیز هست و پیشگام ایجاد بنای مؤسسه ویکتوریا مامی کینی مموریان (Victoria mamie Kimi Memorial Institute) لیبریا نیز هست. او تاکنون جوایز و عناوین بسیاری دریافت کرده است که می توان جایزه صلح سازمان غیردولتی زنان لیبریا برای ایجاد صلح در لیبریا، گواهی به رسمیت شناختن تلاش وی برای ایجاد اتحاد در لیبریا از طرف سازمان اتحاد مسیحی لیبریا و ... نام برد.

در طول برگزاری اولین گردهمایی زنان در ابوجا در ماه می ۱۹۹۷، برای اولین بار اعضای اتحادیه زنان آفریقا (FAS)، اولین رئیس جمهور زن آفریقا را ملاقات کردند و راجع به فعالیت های FAS در آفریقا و به ویژه در لیبریا صحبت کردند. او اعضای گروه را به آپارتمان شخصی خود دعوت کرد و راجع به مبارزات و مشکلات متعددش در طول اداره دولت انتقالی لیبریا با اعضای هیأت به گفت وگو نشست و درباره آینده کشورش چنین گفت: فرزندان ما جواهراتی قیمتی هستند که بحران های اجتماعی، اثرات جنگ، قدرت مواد مخدر و سایر رفتارهای ناهنجار اجتماعی و مشکلات موجود در مدارس همه به شرایط سخت زندگی آنان اضافه شده است. مشکل کودکان یتیم نیز مشکلی بحرانی ویژه مناطق شهری است. بسیاری از این کودکان و نوجوانان بین ۸ تا ۱۶ سال در مقطع خاصی از زمان، از خانواده جدا شده و در نهایت جذب نیروهای مسلح می شوند که آنان را شست وشوی مغزی می دهند تا به سلاح گروه های متخاصم لیبریا و مسؤول برگرداندن و اسکان آوارگان و رانده شدگان از نیروهای متخاصم قبلی از کودکان زیر ۱۵ سال تشکیل شده بود و شما درک می کنید که فرزندان لیبریا با چه مشکلاتی مواجه بودند و به همین دلیل، به عنوان یک مادر، کودکان و آینده آنها مقدم بر تمام مسائل لیبریا است.

در جولای ۱۹۹۷ در نشست حراره، رهبران کشورهای آفریقایی او را برای ایراد سخنرانی انتخاب کردند. در واقع این اولین بار بود که در ۳۲ اجلاس سازمان وحدت آفریقا یک زن رئیس جمهور درباره مسائل مهم به بحث نشسته و بالاترین مقام تصمیم گیری در سازمان وحدت آفریقا گشته بود.

اخبار زنانه

رضایت شغلی مادران از فشار عصبی کودکان می کاهد

رضایت مادران از شغلی که دارند باعث کاهش فشار عصبی در کودکان آنها می شود.

به گزارش دانشگاه بث در انگلیس، عدم رضایت شغلی زنان باعث افزایش فشار عصبی در کودکان آنها می شود ولی اختصاص زمان بیشتری به مراقبت از کودکان به کاهش این فشار عصبی کمک می کند.

در مطالعه ای روی ۵۰ کودک در یک مهد کودک، محققین دریافتند میزان هورمون کورتیزول، که نشانه وجود فشار عصبی است، در کودکانی که مادرانشان از شغل خود راضی نبودند بالاتر از کودکانی است که مادرانشان رضایت شغلی مناسبی داشتند.

میزان کورتیزول در خون این کودکان در بعد از ظهرها دو برابر میزان طبیعی بود. تحقیقات نشان می دهد استفاده از خدمات مراقبت از کودک توسط زنانی که از شغل خود راضی نیستند باعث کاهش چشمگیر میزان فشار عصبی در کودکان آنها می شود.

این مطالعه همچنین نشان داد میزان متوسط کورتیزول در کودکان خانواده هایی که بسیار عاطفی یا خوددار هستند بیش از حالت معمول است.

کورتیزول هورمونی است که فشار خون و عملکرد قلب و عروق و نیز عملکرد سیستم ایمنی را تنظیم می کند و در عین حال سوخت و سوز پروتئینها، قندها و چربیها را تحت کنترل دارد.

ارتباط یائسگی زودرس با عمر کوتاهتر در زنان

نتایج یک تحقیق گسترده نشان می دهد زنانی که در اوایل دهه چهارم عمر خود یائسه می شوند از عمر کوتاهتری برخوردارند.

به گزارش رویترز هلث از نیویورک، پژوهشگران انجمن سرطان آمریکا در آتلانتا دریافتند مرگ این زنان بیشتر دراثر ابتلا به بیماری قلبی، بیماریهای تنفسی و کلیوی بعد از ۷۵ سالگی رخ می دهد.

در این مطالعه ۶۸ هزار زن آمریکایی به مدت ۲۰ سال مورد بررسی قرار گرفتند.

این محققان دریافتند زنانی که در سنین ۴۰ تا ۴۴ سالگی یائسه می شوند خطر مرگ ناشی از هر علتی در آنها ۴ درصد بیشتر از زنانی است که در اوایل دهه ۵۰ یائسه می شوند.

بررسیهای بیشتر نشان داد این ارتباط محدود به زنان بالای ۷۵ سال است ظاهراً به این دلیل که در سنین پایین تر زنانی که زودتر یائسه می شوند میزان مرگ ناشی از سرطانهای تخمدان و سینه در آنها کمتر است. قبل از ۷۵ سالگی سرطان مهمترین عامل مرگ در بین تمام زنان است، اما در زنان جوانتر بیماری قلبی و سایر بیماریها شایعتر است.

هرچند در چندین تحقیق قبلی یائسگی زودرس با عمر کوتاهتر مرتبط شناخته شده است، اما در تحقیق جدید علل مرگ بررسی شده است.

در این مطالعه یائسگی زودرس با مرگ ناشی از بیماری قلبی در سنین بالاتر مرتبط شناخته شد. این نکته با یافته های قبلی مبنی بر تأثیر حفاظتی استروژن بر قلب و عروق خونی مطابقت دارد. هرچه زن دیرتر یائسه شود هورمون استروژن بیشتری در بدن او آزاد می شود که برای قلب او مفیدتر است.

از طرف دیگر کوتاه بودن مدت ترشح استروژن در بدن با کاهش خطر بروز سرطانهای تخمدان و سینه ارتباط دارد. با این حال بیماری قلبی مهمترین عامل مرگ در بین زنان آمریکایی است و این خطر در زنانی که زودتر یائسه می شوند یعنی ۹ درصد بیشتر است.

همچنین عدم ترشح استروژن بعد از یائسگی اغلب به پوکی استخوان می انجامد. زنانی که دچار شکستگی استخوان می شوند در معرض ابتلا به عفونتهای دستگاه ادراری و ذات الریه قرار دارند.

با این حال میزان افزایش خطر در زنانی که زودتر یائسه می شوند در این مطالعه اندک بود.

هرچند زنان نمی توانند سن یائسگی خود را تغییر دهند، اما با تغذیه سالم، ورزش ، داشتن وزن مناسب و عدم استعمال دخانیات می توانند از عمری طولانی بهره مند شوند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرد:

۱۰۱ مورد خودکشی زنان افغانی برای رهایی از مشکلات خانوادگی

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرد ۱۰۱ زن افغانی برای رهایی از مشکلات خانوادگی اقدام به خودکشی کرده اند.

به گزارش خبرگزاری شین هوا این درحالیست که دولت افغانستان بشدت در تلاش است تا زنان این کشور را از حقوق قانونی خود مطمئن کند.

گزارش این کمیسیون می افزاید: این تعداد خودکشی طی یک سال گذشته روی داده است که علل اصلی نهفته در پشت آن نیز ازدواج های اجباری و مشکلات خانوادگی است.

این در حالی است که بسیاری از زنان افغانی و بستگان آنها از ترسی که دارند موارد گوناگون خودکشی را به پلیس گزارش نمی دهند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است طی یک سال گذشته حدود ۸۰ مورد ازدواج اجباری و ۱۹۹ مورد شکنجه و ضرب و شتم زنان افغانی به ثبت رسیده است. در این گزارش تأکید شده است در بسیاری از مناطق دورافتاده این کشور والدین زنان برای آنها شوهر پیدا کرده و بدین ترتیب مجبور می شوند که به ازدواج اجباری تن دهند.